

## دستاوردهای بخش صنعت

به رغم اهمیتی که هر دو بخش دولتی و خصوصی به ضرورت افزایش صادرات غیرنفتی قائل‌اند؛ سطح واقعی صادرات غیر نفتی در بیش از یک دهه گذشته انتظارات مویود را برآورده نکرده است. در طول سال‌های اجرای اولین برنامه پنج ساله توسعه اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران که از سال 1989 تا 1994 به طول انجامید؛ تنها مدود 60 درصد از اهداف تعیین شده محقق شد. اما این رقم در برنامه دوم به 65 درصد ارتقاء یافت.

باید اشاره کرد که در ساختار اقتصادی ایران 21 نهاد، بانک، مؤسسه، ارگان دولتی و شورا در زمینه افزایش صادرات غیرنفتی فعالیت می‌کنند. اما نتیجه فعالیت این دستگاه‌ها همواره ناپیتر از تعدادشان بوده است. البته پاسخ این سؤال که چرا حجم صادرات غیر نفتی این کشور محدود است هنوز نامشخص است و هیچ جوابی برای آن ارائه نشده است. همچنین لازم است به این موضوع نیز اشاره شود که در اقتصاد ایران به طور سنتی بیشترین میل و علاقه به واردات کالا از بازارهای خارجی بوده و صادرات جایگاه مناسبی نداشته است.

مال باید برای روشن‌تر شدن موضوع به عمده‌ترین دلایل ناکامی دولت در افزایش صادرات غیرنفتی و موانع اجرای این سیاست اشاره کرد. مهمترین موانع مویود عبارتند از:

۱- قوانین و مقررات مرتبط با بازرگانی خارجی از جمله: تعرفه‌ها، سهمیه‌ها، عوارض و مالیات‌های گوناگون، مجوزهای تجاری و نظام ارزیابی کالا بیش از آنکه به صادرات توجه شده باشد مول محور واردات متمرکز شده است.

۲- زیرساخت‌های حمل و نقل کالا شامل: بنادر، راه‌های مواصلاتی و خطوط راه‌آهن؛ در مقایسه با الزامات صادراتی، تناسب بیشتری برای واردات کالا دارد.

۳- اطلاعات بازرگانی جمهوری اسلامی ایران برای واردات کالا از خارج به مراتب بیشتر از دانش لازم برای صادرات است.

۴- اقدامات عملی توسعه صادرات کمتر از اقدامات به اجرا درآمده برای واردات است.

۵- بیشترین نوع کالاهای صادراتی ایران در بازارهای خارجی به فرش و فرشکار محدود شده است.

۶- در نظام اقتصادی ایران فعالیت در زمینه واردات کالا به طور سنتی بسیار سودآورتر از فعالیت در بخش صادرات بوده است.

۷- مویود تمریم‌های اقتصادی و سیاسی اعمال شده از سوی ایالات متحده آمریکا بر فرآیند صادرات کالا از جمهوری اسلامی ایران به دیگر ممالک جهان تأثیر مخربی داشته است.

۸- تولیدکنندگان و صادرکنندگان محدود فعالیت صادراتی خود را به بازارهای فاص از جمله بازارهای بی‌ثبات آسیای مرکزی محدود کرده‌اند و تلاش شایانی برای بسط دامنه فعالیت در دیگر بازارهای بین‌المللی به عمل نیامده است.

۹- مجیم انبوهی از صادرات غیر نفتی ایران به مواد غذایی و محصولات کشاورزی اختصاص یافته است چرا که توان رقابتی و پایین بودن هزینه تولید این کالاها در ایران یک مزیت نسبی به حساب می‌آید.

۱۰- وجود الزام به تمویل ارز حاصل از صادرات کالا به نظام بانکی کشور با نرفی که بانک مرکزی تعیین می‌کند یکی از موانع رشد صادرات است.

۱۱- روش‌های بازاریابی شرکت‌های ایرانی شبیه و یکسان نیست.

۱۲- وجود تشریفات دست و پاگیر و بوروکراسی شدید اداری در امور مربوط به صادرات کالاهای ایرانی

راهکارهای عملی:

برای بهبود شرایط فعالیت صادرکنندگان ایرانی پیشنهادهای مفید و راهبردی ویژه‌ای در زمینه بهبود و تصمیح مقررات صادرات کالا وجود دارد:

۱- تقلیل تشریفات موجود در فرآیند صادرات کالا و تعیین متولی خاص برای بهبود صادرات غیرنفتی کشور

۲- مطالعه دقیق در مورد قوانین و مقررات صادرات کالا پیش از ابلاغ و اجرا

۳- تبیین سیاست‌های کلان صادرات کالا از سوی دولت و عدم دقالت در فعالیت‌های جزئی و روزمره صادرکنندگان

۴- تبیین و ترسیم اهداف واقع‌گرایانه؛ مرتبط با صادرات کالاهای غیرنفتی در برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور

۵- واگذاری قدرت تصمیم‌سازی مرتبط با موضوع صادرات به فعالان و کارشناسان امر

۶- حمایت از صادرکنندگان جهت تقویت توان رقابتی و کاهش واردات

۷- تسهیل روش‌های اداری و بوروکراتیک واردات کالا به ویژه ابزارهای پیشرفته و مواد اولیه مورد نیاز صنایع

۸- تسهیل گشایش اعتبار و عملیات ارزی صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی

۹- افزایش مهلت تمویل ارز حاصل از صادرات به نظام بانکی کشور

۱۰- فرید ارز حاصل از صادرات کالا به قیمت بازار آزاد از سوی نظام بانکی

۱۱- تشویق و ماییت از داد و ستد پایاپای بازرگانان ایرانی با برفی از کشورهای فقیر

۱۲- استفاده از روش بیع متقابل برای تهیه مواد اولیه از کشورهای خاص

۱۳- آموزش قوانین و مقررات صادرات به کارکنان دستگاه‌های مرتبط با صادرات کالاهای غیرنفتی

۱۴- تشکیل ادارات ویژه صادرات کالا در گمرک جمهوری اسلامی ایران، فرودگاه‌ها، بنادر و مبادی خروجی کشور و کاهش تشریفات زائد اداری

۱۵- استفاده از سیاست‌های تشویقی

۱۶- گسترش دامنه فعالیت بانک‌های ایرانی در خارج از کشور به منظور انجام امور بانکی و اعتباری صادرکنندگان

۱۷- اطلاع‌رسانی منظم به صادرکنندگان و شرکت مداوم و منظم در نمایشگاه‌های بین‌المللی خارج از کشور

۱۸- کمک دولت به رفع موانع موجود بر سر راه تولید و بالابردن کیفیت محصولات ایرانی .

باید توجه داشت که افزایش صادرات غیر نفتی تنها راه کسب درآمد برای کشور نیست و راه‌های دیگری نیز وجود دارد که می‌توان با استفاده از آنها به رشد درآمدهای غیر نفتی و کاهش وابستگی به نفت کمک کرد. به عنوان نمونه حمایت از صنعت گردشگری، جلب سرمایه‌های مستقیم خارجی، صادرات خدمات و جذب سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور از جمله ابزارهای مناسب رشد درآمدهای ارزی کشور است. به هر تقدیر توسعه صادرات غیر نفتی ایران را باید به منزله نیل به توسعه صنعتی قلمداد کرد. باید توجه داشت که دستیابی به این هدف و نفوذ در بازارهای بین‌المللی نه تنها به قیمت‌های رقابتی بلکه به ارتقای استانداردهای موجود، پایبندی به انجام تعهدات، بازاریابی دقیق، برآوردن خواسته‌های مشتریان و تأمین بهنگام اعتبار نیز بستگی دارد.

باید به خاطر داشت که از سال 1995 یعنی سال تأسیس سازمان جهانی تجارت و تعیین رژیم نوین تجاری در جهان؛ قواعد و قوانین بازی تجارت؛ در جهت آزادسازی اقتصادی در حال تغییر بوده و توسعه صادرات و خروج از نظام اقتصادی تک محصولی و همپنین پیوستن به سازمان جهانی تجارت از اولویت‌های اقتصادی بیشتر کشورهای جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران بوده است. حال لازم است برای شتاب بخشیدن به توسعه اقتصادی مبتنی بر افزایش صادرات غیر نفتی؛ ایران نیز در سریع‌ترین زمان ممکن به این سازمان بین‌المللی بپیوندد و موانع پیش روی ترقی و رشد اقتصادی و تجاری را از پیش پای خود بردارد.

یکی از ضرورت‌های انکارناپذیر در عرصه بازرگانی خارجی ایران، استفاده از ظرفیت‌های رقابتی است. از این رو تلاش برای بهبود و ارتقاء وضعیت بخش‌هایی مانند؛ بانک، بیمه، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، زیرساخت‌های اقتصادی و فروش خدمات به عموم مردم نیز باید در اولویت برنامه‌های اقتصادی دولت قرار بگیرد. حال زمان آن فرا رسیده است که از تصدی‌گری دولت در بخش مرتبط با صادرات و صنعت کاسته شود.

سیاست‌گذاری در بخش صنعت:

ظرف دو دهه گذشته تغییر روش قابل توجهی در سیاست‌های اقتصادی و تجاری جهان اتفاق افتاده است. از این رو عمده‌ترین تمول ایجاد شده؛ میل جهانی به اقتصاد مبتنی بر بازار و آزادسازی اقتصادی بوده است. از اوایل دهه 1980 میلادی به این سو؛ مذف تصدی دولت بر امور اقتصادی باعث کاهش و متی رفع موانع رسمی از سر راه فعالیت‌های اقتصادی گردیده و به این ترتیب راه برای نیل به اقتصاد رقابتی هموار شده است. البته باید خاطر نشان کرد که بخش فدمات نیز در کنار سایر بخش‌ها از جمله صنعت از این فرصت بهره‌مند شده است.

سیاستگذاران اقتصادی ایران باید در فصوص صادرات غیر نفتی کشور؛ همگام با تمولات مهم سیاسی و اقتصادی جهان نسبت به برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری مناسب اقدام نمایند و در این کار تمام شرایط و تمولات جهانی را مدنظر داشته باشند.

یکی از سیاست‌هایی که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته؛ تولید کالاهای وارداتی در داخل کشور است. این کار با هدف قطع وابستگی به واردات و تأمین نیاز در داخل کشور انجام می‌گیرد. اما باید یادآوری کرد که این سیاست در دهه 1950 در بسیاری از کشورهای در حال توسعه اعمال می‌شده است و مال پس از نیم قرن در ایران اجرا می‌شود.

لازمه اجرای این سیاست حمایت از صنایع و بازارهای داخلی در مقابل شوکهای اقتصادی واردات کالاهای مشابه است. به این منظور می‌توان از ابزارهای مناسبی مانند وضع تعرفه واردات کالا، ایجاد موانع غیر تعرفه‌ای، محدودیت یا ممنوعیت واردات، کنترل بازار ارز و یا اعمال سیاست چند نرفی کردن قیمت ارز بهره گرفت.

به این ترتیب به صنایع نوپا اجازه داده می‌شود تا توسعه را تجربه کنند و ضمن حفاظت از صنایع داخلی در مقابل رقبای خارجی؛ رشد اقتصادی بیشتر نیز مقدور فواهد بود. در کنار این قضیه می‌توان در کوتاه مدت یا متی میان مدت به ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمدزایی نیز کمک کرد. لیکن نباید از این حقیقت انکارناپذیر غافل ماند که ادامه چنین روندی زیان‌های فاص فود را به دنبال فواهد داشت. به عنوان نمونه؛ کاهش سطح رفاه، تنزل کیفیت کالاهای تولید داخلی، کاهش نرخ عمومی دستمزدها و پایین آمدن سطح زندگی از بدیهی‌ترین آثار منفی پیروی از چنین سیاست‌هایی در بلندمدت است.

سیاست‌های توسعه صنعتی:

از جمله اهداف مشخص برنامه‌های پنج ساله توسعه در جمهوری اسلامی ایران بهبود وضع صنعت و افزایش صادرات صنایع غیر نفتی است. به همین منظور و به عنوان نمونه طبق برنامه توسعه پنج ساله اول که از 1989 تا 1994 اجرا شد؛ رقم صادرات غیرنفتی و صنعتی کشور می‌بایست از 70 میلیون دلار در سال 1988 با 3/47 میلیارد دلار در سال 1993 افزایش می‌یافت. به علاوه طبق همین برنامه سافتار بخش صنعت نیز باید به گونه‌ای تغییر می‌کرد که 63/1 درصد از کل تولیدات این بخش به کالاهای واسطه‌ای اختصاص یابد و 28/4 درصد دیگر به تولید کالاهای مصرفی و 8/5 درصد نیز به کالاهای سرمایه‌ای تعلق بگیرد.

در طول سال‌های اجرای برنامه اول؛ بالغ بر 4800 واحد صنعتی جدید در کشور راه‌اندازی شد و با صرف سرمایه‌ای بالغ بر 4800 میلیارد ریال؛ نزدیک به 160 هزار فرصت شغلی برای نیروی کار کشور فراهم گردید. در نتیجه اجرای این سیاست‌ها

مهمترین بخش‌های صنعتی در اقتصاد ایران عبارتند از: صنایع غذایی و دارویی، نساجی، صنایع غیر فلزی، ریخته‌گری و فودروسازی. در این زمینه صنایع شیمیایی 23/6 درصد از کل ارز تفصیص یافته به صنایع را به خود اختصاص داده که حدود یک چهارم از کل ارز ویژه بخش صنعت را شامل می‌شود.

برنامه دوم توسعه نیز با تأکید بر افزایش صادرات کالاهای غیر نفتی تنظیم شد و طبق قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران از سال 1995 تا 2000 به مرحله اجرا گذاشته شد. به این منظور دستورالعمل فاصی تهیه و به دستگاه‌های مرتبط ابلاغ گردید که بر مبنای آن اعمال و تبعیت از برفی سیاست‌ها مانند موارد ذیل ضروری بود:

۱- افزایش توان بالقوه برای ارتقای سطح درآمدهای داخلی دولت از طریق افزایش نرخ مالیات

۲- تبیین قوانین و نقش بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی در زمینه صادرات

۳- تعریف قوانین واردات و صادرات کالا و نظام تعرفه‌ها برای افزایش توان صادراتی کشور

۴- تأسیس شورای عالی صادرات

همچنین برنامه‌هایی از این قبیل که بتوان به واسطه اجرای آنها سیاست‌های صادراتی دولت را توسعه داد.

در طول سال‌های اجرای برنامه دوم تنها برای 87 هزار نفر فرصت شغلی ایجاد شد. همین‌طور باید اشاره کرد که در طول اجرای این برنامه دوم حدود 6/5 میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قالب قراردادهای بیع متقابل و در بخش‌های مختلف صنعتی ایران صورت گرفت. البته باید این نکته را نیز خاطر نشان کرد که از سال 1988 تا 1999 همواره مبلغ صادرات غیر نفتی از مقدار تبیین شده در سند برنامه‌های اول و دوم کمتر بوده و دستیابی به درآمدهای مورد نظر هرگز عملی نشد.

در فصول رقم واردات نیز باید گفت که تا سال 1993 وضعیت موجود بیشتر از حد تعیین شده در برنامه بود ولی از سال 1994 به بعد حجم واردات کالا کاهش نسبی داشته است. البته وضعیت بازرگانی خارجی ایران نیز با قیمت جهانی نفت و سطح درآمدهای دولت ارتباط مستقیم دارد.

در آن بخش از تاریخ اقتصادی پس از انقلاب که درآمدهای نفتی به دلیل افزایش بهای جهانی نفت افزایش یافته بود؛ تقویت صادرات غیر نفتی نیز به دست فراموشی سپرده شد. بازار فرش به عنوان مهم‌ترین کالای غیر نفتی ایران نیز آسیب‌های فراوانی را متحمل شده است. طی سال‌های اخیر مهم‌ترین کالاهای صادراتی ایران در بخش تولیدات صنعتی عبارت بود از: محصولات پتروشیمی، پوشاک، ظروف مسی و آلومینیومی، محصولات پلاستیکی، کالاهای چرمی، کفپوش،

کشورهای صنعتی جهان در زمینه واردات و صادرات مهمترین شرکای تجاری جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند و پس از این کشورها؛ اعضای اتحادیه اروپایی به عنوان طرف تجاری ایران مطرح هستند.

تمولات بین‌المللی و فرصت‌های جدید:

تمولات و فرصت‌های افیر بین‌المللی به جمهوری اسلامی ایران این امکان را داده است تا به دامنه فعالیت‌های بازرگانی فارجمی‌افزاید. در این زمینه یکی از مهمترین گام‌های برداشته شده، ابتکار عمل و تأسیس سازمان همکاری‌های منطقه‌ای «اگو» از سوی سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان است.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل کشورهای مستقل؛ تعداد اعضای این اتحادیه منطقه‌ای افزایش یافت و برفی از دیگر کشورها مانند: آذربایجان، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان و افغانستان نیز به عضویت آن درآمدند. تمول بعدی اتصال فط آهن مشهد به سرفس در فاک ایران بود که امکان اتصال فطوط ریلی این کشورها به یکدیگر را فراهم سافت.

منبع: سازمان توسعه صنعتی ملل متمد (UNIDO)

گردآورنده : عباس پالیزدار